

## Common Requirements and Features of Divine Religions from Viewpoint of Ayatollah Khamenei

Mohammad EtratDoost \*

*Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaee Teacher Training University*

Amirhossein Farasati

*MA graduate of Quran and Hadith Sciences, Imam Sadeq University, Tebran, Iran*

### Abstract

From among the topics repeatedly emphasized by Islam is the issue of unity and sympathy among the followers of Divine faiths. This issue- which today is turned into a major concern for religious scholars and thinkers- has been seriously addressed and stressed in comments made by Leader of the Islamic Revolution Ayatollah Seyed Ali Khamenei. The first step in order to achieve a general consensus based on divine teachings is to precisely outline the mandates and characteristics of the followers of divine faiths so that common principles and duties of the followers towards each other can be drawn through this passage. This article seeks to highlight leading features that are common among the followers, identify them with a focus on Ayatollah Khamenei's comments and explain the dos and don'ts to move toward the path of unity and global peace. Thematic analysis method has been used to extract and codify the Leader's comments. The result shows that the Leader has highlighted six major principles which are common among the followers of all divine religions. In order of importance and priority, they are as follows: establishing justice and standing against oppression, abiding by religious tenets and believing in spirituality, believing in human values and respecting the sanctities of others, supporting the followers of other divine religions, believing in the reappearance of a savior and dialogue for understanding.

**Keywords:** Divine Faiths, Common Principles of Divine religions, interfaith unity, Ayatollah Khamenei, thematic analysis.

---

\* Email: [etratdoost@stru.ac.ir](mailto:etratdoost@stru.ac.ir) (Corresponding Author)

فصلنامه علمی پژوهش‌نامه فقه و علوم اسلامی  
مقاله پژوهشی، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۲۶ تا ۲۶  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

## بایسته‌ها و ویژگی‌های مشترک ادیان الهی از منظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| محمد عترت‌دوست\* | استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید

رجایی، تهران، ایران

| امیرحسین فراستی | کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

### چکیده

از جمله موضوعات مورد تأکید دین مبین اسلام، مسأله وحدت و هم‌دلی میان پیروان ادیان الهی است. این مسأله که امروزه از جمله دغدغه‌های اصلی رهبران دینی و اندیشمندان جوامع بشری است، به صورتی ویژه و با چهارچوبی خاص در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. از آنجا که نخستین گام به منظور دست‌یابی به یک وفاق عمومی مبتنی بر آموزه‌های آسمانی، ترسیم دقیق بایسته‌ها و ویژگی‌های مشترک پیروان ادیان الهی است تا از این رهگذر بتوان اصول اساسی مورد اتفاق و مجموعه وظایف پیروان نسبت به همدیگر را ترسیم کرد، از این رو در این مقاله تلاش شده مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک پیروان ادیان الهی به مثابه بایسته‌هایی که می‌بایست توسط همه پیروان رعایت شود را از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای کشف و شناسایی نموده و بایدها و نبایدهای لازم به منظور نیل به وحدت و صلح جهانی را تبیین کنیم. در این پژوهش از روش «تحلیل مضمون» برای استخراج بیانات و کدگذاری آن‌ها استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در مجموعه بیانات خود به ترسیم شش اصل مهم و ضروری مشترک برای همه پیروان ادیان الهی پرداخته‌اند که به ترتیب اولویت و اهمیت عبارت‌اند از: اقامه عدل و مبارزه با ظلم، پیروی از تعالیم دینی و اعتقاد به معنویت، اعتقاد

*Email:* etratdoost@sru.ac.ir

\* نویسنده مسئول؛

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی طبق ابلاغ شماره ۴۹۲۹ انجام شده است.

به ارزش‌های انسانی و احترام به مقدسات دیگران، حمایت از پیروان دیگر ادیان الهی، اعتقاد به ظهور منجی و گفت‌وگو برای تفاهم.

**واژگان کلیدی:** ادیان آسمانی، اصول مشترک ادیان الهی، وحدت ادیان، آیت‌الله خامنه‌ای، روش تحلیل مضمون.

### مقدمه

بتاریخ بشر آکنده از جنگ‌های خانمان‌سوزی است که بر سر عقاید مذهبی رُخ داده و موجب کشتارها و فجایع انسانی بی‌شماری شده است. این وقایع اسفبار و رقت‌انگیز اختصاص به دوره‌ای خاص نداشته و در عصر حاضر نیز امتداد یافته، بلکه با پیشرفت تسلیحات نظامی و جنگ‌افزارهای گوناگون بر شدت و تنوع آن‌ها افزوده شده است. این درگیری‌های خشونت‌آمیز میان ستیزه‌گرانی اتفاق می‌افتاده که هریک باورهای خویش را برتر پنداشته و اندیشه‌های گروه رقیب را پلید می‌انگاشتند؛ هرچند آسیب‌های جبران‌ناپذیر این کردارهای ددمشانه دامن‌گیر بسیاری از مردمان بی‌گناهی نیز می‌شد که تقابل فکری با دیگری را بهانه خشونت با او نمی‌دانستند و ناسازگاری با آئین او را دست‌مایه رفتارهای ناشایست با وی نمی‌شناختند، اما در تضاد با این نگاه سرکش و روش نافرهیخته، زمانی که ابناء بشر به بیهودگی و ویرانگری مبارزات مذهب‌مدارانه خود پی بردند و دریافتند صلح و هم‌زیستی میان باورمندان کیش‌های گوناگون جایگزین درخوری برای خون‌ریزی‌های پیشین است، دانستند که نیکوست زمینه‌های اشتراک را بیش از نقاط افتراق پُررنگ سازند و در راستای پیروزی همگانی بر جهل و تعصب و نیز تحقق آرمان صلح جهانی، همت خود را به کار ببندند. آنجا بود که انسان‌ها اندک‌اندک از عصر تک‌گویی که از آغاز در آن می‌زیستند، به عصر گفت‌وگو گام نهادند (Swidler, 2004: 31) و آئین گفت‌وگوهای دینی را رقم زدند.

برخلاف جهان غرب که تنها در اواخر سده نوزدهم میلادی از اهمیت گفت‌وگوی دینی مدارامحور و صلح‌جویانه آگاه شد (Swidler, 2013: 4) و به‌طور خاص پس از واقعه یازده سپتامبر توجه خاصی بدان معطوف کرد (Neufeldt, 2011: 344)، ندای آسمانی قرآن کریم بیش از چهارده سده پیش، پیروان ادیان الهی را به این مهم فراخوانده و توحید خدای متعال را در محور آن نهاده بود: **قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ** (آل عمران، ۶۴). با وجود این، در جهان غرب، تنها پس از دوران رنسانس، با کاهش نقش دین از یک‌سو و نیز تفوق علم و جریانات عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی

بود که فضاها‌ی فکری تازه‌ای شکل گرفت و موجب افزایش تنوع و تفاوت در فرهنگ‌ها گشت. این امر در سطح جامعه، زمینه نیاز مبرم به گفت‌وگو را ایجاد کرد (شعاعی، ۱۳۹۷: ۳۱).

در حقیقت، پس از حوادث اواخر سده بیستم میلادی - مانند فرو ریختن دیوار برلین و فروپاشی اتحاد شوروی - بود که سموئیل هانتینگتون، سیاست‌مدار آمریکایی، نظریه برخورد تمدن‌ها را مطرح ساخت؛ اگرچه این تمام واقعیت نبود و جهان حرکت به سوی عصر گفت‌وگو را آغاز کرده بود (Swidler, 2014: 4). از این رو اصطلاح «گفت‌وگو» در چند دهه اخیر شهرت فزاینده‌ای پیدا نمود و از گفت‌وگوهای میان دو کلیسای کاتولیک و پروتستان در مسیحیت گرفته و تا تعاملات آن‌ها با دیگر ادیانی همچون اسلام، آئین هندو و بودا امتداد یافت (Swidler, 2014: 3). زیرا هرچند پیروان ادیان قرن‌ها در کنار یکدیگر زیسته بودند، لیکن جهان مدرن ضرورت خاصی را برای رفتار محترمانه و آگاهانه ایجاد می‌کرد؛ چراکه انسان ابزارهایی را برای نابودی تمام خلقت [دنیا] در اختیار داشت. از این رو در عصر حاضر و با گسترش شتابان انواع روش‌های گفت‌وگو، نه تنها حس نجات‌بخش، بلکه شریف‌ترین مشوّقات برای پیروان ادیان نیز ایشان را به درک، احترام و فهم طرف مقابل سوق می‌داد (Forward, 2001: 1).

امروزه اهمیت و ضرورت حرکت مذکور بیش از پیش برای اندیشه‌ورزان و رهبران دینی دنیا هویدا شده و ایشان را به سفارش برای اهتمام به آن واداشته است؛ چنان‌که برخی گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها را یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاسی دانسته‌اند که می‌تواند از مرزها بگذرد و پُل‌های صلح و امید را بنا سازد (Al-Khalifa, 2007). یا برخی دیگر، آن را شرط ضروری صلح در جهان دانسته و آن را وظیفه جوامع گوناگون بر شمرده‌اند؛ چه این روش به ما می‌آموزد، دیگران را با راه‌های متفاوت زیستن، اندیشیدن و گفتارشان بپذیریم و آنگاه در ادای تکلیف عدالت و صلح به یکدیگر بپیوندیم (Pope Francis, 2013: 186). این بدان جهت است که ادیان جهان قابلیت شکل دادن جهان‌بینی‌ها را دارند تا نیرویی برای ایجاد عدالت اجتماعی و صلح جهانی باشند. این امر از طریق گفت‌وگوی ادیان در دو سطح علمی و عملی برای همکاری مشترک میسر می‌شود (Penaskovic, 2016: 37).

به باور برخی پژوهشگران این حوزه، تعامل معنادار با دیگر سنت‌های دینی تنها با غرق شدن کامل در آن‌ها میسر می‌شود؛ بنابراین، گفت‌وگو باید در عمل موسوم به الهیات تطبیقی یا در هم‌دلی بین‌الادیانی ریشه داشته باشد که هر دوی این‌ها مبتنی بر رغبت به آموختن از دین دیگری است (Merrigan, 2017: 1). با این حال، سابقاً گفت‌وگوهای بین‌الادیان - اغلب - با دو هدف دفاعی انجام می‌شد؛ یعنی اثبات حقانیت مذهب خود یا بطلان طرف مقابل، در عوض آموختن از عقاید او (Penaskovic, 2016: 29).

### طرح مسأله

در پرتو هدایت قرآن مجید و بیانات گهربار پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع)، رهبران انقلاب اسلامی ایران نیز موضوع وحدت و اتفاق میان پیروان ادیان الهی را مورد توجه جدی قرار داده و در بیانات خود به صورت مکرر به این مسأله پرداخته‌اند. ایشان همواره پیروان ادیان آسمانی را به معنویت‌گرایی، ظلم‌ستیزی و حمایت از مستضعفان دعوت کرده و هم‌آئین نبودن آنان را مانعی برای همراهی در این راه ندانسته‌اند. برای مثال، امام خمینی (ره) در ملاقات با شماری از کشیش‌های مسیحی وظیفه پیغمبران الهی را ساختن بشر و زیستن او در صلح، صفا و برادری عنوان داشته و در پیامی به مناسبت سالگرد ولادت حضرت عیسی بن مریم علیه‌السلام، پیروان آن حضرت را به پشتیبانی از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران فراخوانده‌اند. به‌سان این فرمایش‌ها در گفتارهای آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌توان تأکیدات مکرر به اسلام استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی را مشاهده کرد که از دشمنی اصحاب عقاید مختلف پرهیز می‌دهد و شعار هم‌زیستی، ارتباط و دوستی با غیرمسلمانان را نصب‌العین پیروان خود می‌نهد.

بر این اساس، در این پژوهش تلاش شده تا مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک پیروان ادیان الهی را به‌منظور نیل به وحدت و صلح جهانی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران کشف و شناسایی نموده و سپس بایدها و نبایدها لازم جهت حرکت پیروان ادیان الهی در مسیر نیل به تمدن نوین اسلامی را تبیین کنیم. بدین جهت، نخست با مراجعه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، گفتارها و نوشتارهای مرتبط با روابط مسلمانان با جوامع غیراسلامی و مردمانی از دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را گردآوری کرده و سپس بخش خاص و مرتبط از این بیانات را با روش تحلیل مضمون، مورد مطالعه و تحلیل قرار داده‌ایم تا در نهایت مقوله‌های مهم مطرح در رابطه با وظایف پیروان ادیان الهی را کشف کنیم. از این رو مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک پیروان ادیان الهی که می‌توان از آن‌ها به مثابه بایسته‌های لازم و ضروری برای همه ادیان الهی نام برد، از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران یعنی آیت‌الله خامنه‌ای چه بوده و چه بایدها و نبایدهایی را برای مجموعه کلی معتقدان به ادیان آسمانی بیان کرده‌اند؟

پیش از طرح مباحث، ابتدا لازم است اندکی از پیشینه تحقیقات انجام‌گرفته در این خصوص گزارش دهیم تا وجه نوآوری و تمایز این مقاله از دیگر پژوهش‌ها مشخص شود.

### پیشینه تحقیق

جست‌وجوهای انجام‌گرفته نشان می‌دهد تاکنون شماری از پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی به موضوع گفت‌وگوی ادیان پرداخته و آن را از نگاه قرآن (مانند پایان‌نامه «گفت‌وگوی ادیان از دیدگاه

قرآن»، نوشته زهرا خلفی به سال ۱۳۸۸)، روایات (مانند پایان‌نامه «مبانی قرآنی تعامل امام رضا علیه‌السلام با عالمان ادیان»، اثر اکبر سلیمانی دوست‌آبادی در سال ۱۳۹۷) یا برخی شخصیت‌های اثرگذار (مانند پایان‌نامه «گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت در لبنان با تأکید بر اندیشه علامه سید محمدحسین فضل‌الله رحمه‌الله» به قلم مهدی زالی‌زاده مغانلو در سال ۱۳۹۷؛ پایان‌نامه «هانری کربن و ایزوتسو و امکان گفت‌وگوی ادیان به‌ویژه اسلام با سایر ادیان»، نوشته یاسمین عرفت‌پور به سال ۱۳۸۸؛ مقاله «گفت‌وگوی ادیان در اندیشه سنت‌گرایان»، نوشته رضا خزایی و فرید آزادبخت به سال ۱۳۹۴ در فصلنامه حبل‌المتین) بررسی کرده‌اند.

همچنین، پاره‌ای از این تولیدات به آثار و نتایج گفت‌وگوهای میان ادیان توجه داشته (مانند رساله «بررسی تأثیر ماهیت گفتگوی ادیان بر تفسیر متون مقدس»، به قلم محمد حقانی فضل در سال ۱۳۹۸؛ مقاله «بررسی نقش گفت‌وگو و هم‌اندیشی میان ادیان در صلح جهانی»، اثر زهرا انصاری و رسول افضلی برای همایش بین‌المللی نقش ادیان در اخلاق صلح، گذشت و دوستی در سال ۱۳۹۶) و گاهی به جوانب دورن‌دینی (مانند پایان‌نامه «نگرش کلامی به گفت‌وگوی ادیان: اصول و حدود و اهداف و شیوه‌ها»، اثر صدیقه حمیدی به سال ۱۳۹۶) و برون‌دینی (مانند پایان‌نامه «تعامل ادیان از منظر ارتباطات میان‌فرهنگی: مطالعه گفت‌وگوی دو دین اسلام و مسیحیت در انگلستان»، نوشته محمدحسین شعاعی در سال ۱۳۹۲) آن‌ها پرداخته است.

افزون بر این‌ها، در برخی آثار پژوهشی می‌توان اشاره مختصری به تعامل ادیان از منظر امام خمینی (مانند پایان‌نامه «دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آموزه‌های امام خمینی»، نوشته علی‌رضا نایب‌چ در سال ۱۳۸۸؛ پایان‌نامه «راهبردهای حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه درباره جهان‌عاری از خشونت»، اثر محمدرضا نظارت به سال ۱۳۹۴؛ پایان‌نامه «رهیافت اسلامی روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه»، به قلم حسین بهمنش در سال ۱۳۹۱) یا آیت‌الله‌خامنه‌ای (مانند پایان‌نامه «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مبانی، مواضع و چگونگی آن از دیدگاه آیت‌الله‌خامنه‌ای»، نوشته زهرا منصورزاده به سال ۱۳۹۱) را رؤیت کرد؛ هرچند ارتباط کوچکی با مبحث گفت‌وگوی اسلامی با ادیان و ملل غیرمسلمان دارد.

در کنار این‌ها، از مواردی نام برد که به تبیین دیدگاه ایشان در رابطه با پیروان دیگر ادیان پرداخته است (مانند مقاله «دیدگاه امام خمینی ره درباره پیروان ادیان»، نوشته حسین توفیقی برای فصلنامه هفت آسمان در سال ۱۳۸۱؛ یادداشت محمد رجائی نژاد با عنوان «امام خمینی و جهان مسیحیت» بر روی تارنمای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ مقاله «مستندسازی اندیشه‌های امام

خامنه‌ای پیرامون مناظره»؛ از مهرداد پوراسکندری برای همایش بین‌المللی گفت‌وگو و مناظرات رضوی در سال ۱۴۰۱).

این پیشینه نشانگر آن است که همچنان جای خالی مطالعه‌ای تحلیلی از مکتوبات و مسموعات رهبران انقلاب اسلامی ایران در جهت تبیین و تشریح آراء و مبانی فکری ایشان نسبت به تعامل با پیروان دیگر ادیان و گفت‌وگو میان مسلمانان و غیرمسلمانان، احساس می‌شود؛ به عبارت دیگر، حسب بررسی انجام‌شده، تاکنون هیچ تحقیق جامعی در این خصوص صورت نپذیرفته و نیاز به واکاوی و تحلیل رویکرد نظری و عملی ایشان در مسأله گفت‌وگوهای بین‌الادیانی برطرف نگشته است.

### روش تحقیق

در پژوهش حاضر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، لازم است در ادامه اندکی درخصوص این روش صحبت شود. ازجمله روش‌های تحلیل کیفی که با استفاده از آن می‌توان به فهم عمیق و جامعی از داده‌های مورد بررسی رسید، روش «تحلیل مضمون» می‌باشد. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006: 80). به عبارت دیگر تحلیل مضمون راهبردی برای تقلیل و تحلیل داده‌هاست که به وسیله آن، داده‌های کیفی، تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌شود (Given, 2008: 867).

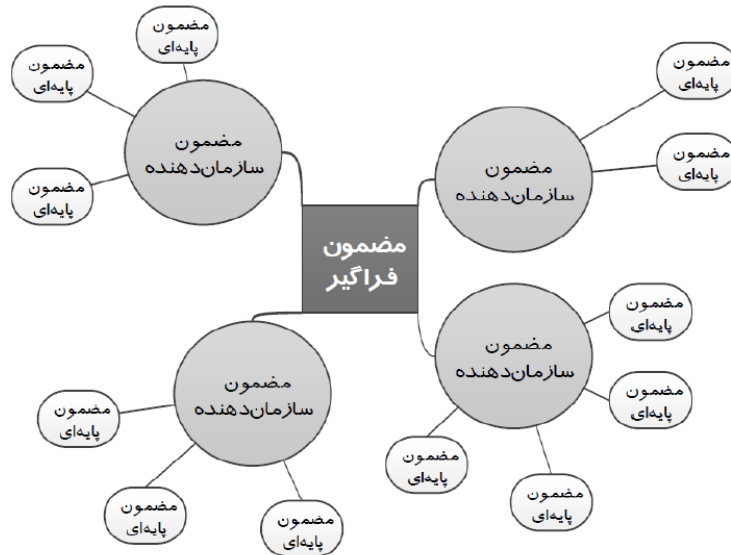
روش تحلیل مضمون را روشی تحلیلی مبتنی بر استقرای تحلیلی گفته‌اند که محقق در آن از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶). در تحلیل مضمون، پژوهشگر به دنبال یافتن الگوهای تکراری معنادار است که با سنجش فراوانی واژگان حاصل می‌شود. این روش، براساس یک رویه مشخص و در سه سطح، مضامین را نظام‌مند می‌کند که عبارت‌اند از:

الف) مضامین پایه که شامل کدها و نکات کلیدی موجود در متن می‌شود؛

ب) مضامین سازمان‌دهنده که از ترکیب و تلخیص مضامین پایه به دست می‌آیند؛

ج) مضامین فراگیر که همان مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل هستند.

با تحلیل مضامین، شبکه‌ای از مضامین ایجاد می‌شود و در نهایت با تحلیل آن‌ها مفاهیم کلیدی استخراج و مدل موردنظر تبیین می‌گردد (Attride-Stirling, 2001: 389). الگوی نمادین سطوح مضامین در روش تحلیل مضمون بدین شرح است:



شکل ۱: ساختار شبکه مضامین (Attride-Stirling, 2001: 388)

فرایند شناخت مضمون شامل سه مرحله تجزیه، تشریح و ترکیب متن است که هر کدام از این مراحل شامل گام‌ها و اقدامات متعدد است و از آنجا که در منابع مختلف به تفصیل معرفی شده (ر.ک: عترت‌دوست و دیگران، ۱۳۹۸)، از این‌رو در اینجا صرفاً به چگونگی اجرای روش و یافته‌های تحقیق اشاره می‌شود.

### ۱- تحلیل مضمون بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای

همان‌گونه که اشاره شد، مسأله اصلی این تحقیق آن است که از منظر آیت‌الله‌خامنه‌ای، مهم‌ترین ویژگی‌های مشترکی که برای پیروان ادیان الهی ترسیم شده، چه بوده و به‌صورت جزئی و دقیق چه بایسته‌هایی را برای مجموعه کلی پیروان ادیان الهی ترسیم کرده‌اند. به همین دلیل پس از جمع‌آوری کامل مجموعه گفتارها و نوشتارهای ایشان که در رابطه با روابط مسلمانان با جوامع غیراسلامی و مردمانی از دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده، به تحلیل بخش خاص و مرتبط از این اطلاعات با روش تحلیل مضمون پرداخته‌ایم که در ادامه نمونه‌ای از جداول تحلیل مضمون بیانات آن‌ها به‌منظور آگاهی خوانندگان گرامی از چگونگی اجرای روش و دست‌یابی به نتایج تحقیق، بیان شده است.

جدول ۱: نمونه جدول تحلیل مضمون بیانات آیت الله خامنه‌ای

کد شناسه	مضامین پایه	ردیف
A1	اساس ادیان الهی، اقامه عدل است	۱
A2	در همه ادیان و مذاهب، ارزش‌ها و ضدارزش‌ها وجود دارد که پیروان، ملزم به رعایت آن هستند	۲
A6	همه ادیان الهی مسائل سیاسی و اجتماعی را در خود دارند	۳
A7	ادیان، زندگی انسان را اداره می‌کنند	۴
A14	همه ادیان به ظهور منجی عدالت‌گستر وعده داده‌اند	۵
A15	رابطه انسان و خدا در ادیان الهی، رابطه بندگی است	۶
A17	ارزش‌ها (هنجارهای) ادیان الهی مطمئن‌ترین معیار تنظیم رفتار بشر است	۷
A18	ادیان الهی باور به کرامت، ارزش‌های انسانی و پوچی قدرت طواغیت را در بشر می‌دمند	۸
A19	ادیان آسمانی بشر را خلاف فرهنگ سلطه سوق می‌دهند	۹
A24	ازدواج از مقدسات ادیان است	۱۰
A26	همه ادیان، پیش از ورود تحریف‌ها، دین انسانیت و اعتدال و خردورزی بوده‌اند	۱۱
A31	ادیان الهی خط‌مشی بشریت به‌سوی اهداف بلندمدت را ترسیم می‌کنند	۱۲
A38	حضرت مسیح (ع) به عبدیت خدا و مبارزه با طواغیت، هدایت می‌کرد	۱۳
A40	ادیان موهبت الهی هستند	۱۴
A45	دفاع مذهب از عدالت و مظلومان، موجب گرایش جوانان به دین است	۱۵
A58	پیروی از مسیح (ع) مستلزم طرفداری از حق و نفرت حق‌ستیزان است	۱۶
A61	فضایل انسانی باید مبتنی بر تعالیم انبیاء گسترش پیدا کند	۱۷
A62	حضرت مسیح (ع) با ظلم و استکبار جهانی مخالف است	۱۸
A63	حضرت مسیح (ع) گرسنگی انسان‌ها به‌وسیله ستم‌گران را تحمل نمی‌کند	۱۹
A68	حضرت مسیح (ع) منادی رحمت و برکت و هدایت الهی بود	۲۰

۲۱	حضرت مسیح (ع) جان‌های بشر را از ظلمات شست‌وشو می‌داد	A۶۹
۲۲	حضرت عیسی (ع) به پرستش آگاهانه خداوند دعوت می‌کرد	A۷۱
۲۳	آرمان حضرت مسیح (ع) عدالت، انسانیت و محبت بود	A۷۳
۲۴	حضرت عیسی (ع) به راه خدا دعوت و از تبعیت هوا و هوس نهی می‌فرمود	A۷۴
۲۵	تعالیم حضرت عیسی (ع) ضدفساد، ظلم، هوس‌رانی و جنگ‌افروزی بود	A۷۶
۲۶	حقیقت دین مسیح و دین اسلام یکی است	A۸۸
۲۷	حضرت مسیح (ع) مورد احترام اسلام و مسلمین است	A۹۰
۲۸	عیسی (ع) عمر خود را در عبادت خدا و مبارزه با ظلم سپری کرد	A۹۳
۲۹	هم‌زیستی ادیان الهی، یک واقعیت زیبا است	A۱۰۱
۳۰	ولادت انبیاء، نقاط عطف تاریخ است	A۱۰۶

## ۲- یافته‌های تحقیق

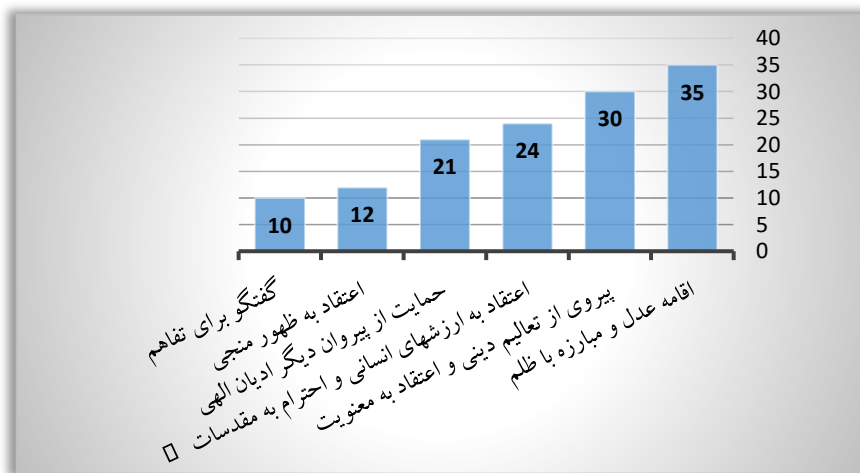
با مطالعه دقیق بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای و تکمیل جداول تحلیل مضمون در نرم‌افزار اکسل، ستون مجزایی با عنوان «مضامین پایه» همراه با کدشناسه اختصاصی به‌دست آمد که همچون برجسب‌هایی مفید و مختصر، محتوای مرتبط با ادیان الهی در دیدگاه این رهبر عالی‌قدر انقلاب اسلامی را تعریف می‌کنند. در این تحقیق، تعداد ۹۴ مطلب از بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای گردآوری و مطالعه شد که از تحلیل آن‌ها تعداد ۱۳۲ مضمون پایه استخراج شده است. از آنجا که مسأله اصلی این تحقیق فقط بررسی این مطلب بود که مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک بیان‌شده برای مجموعه کلی پیروان ادیان الهی از منظر آیت‌الله‌خامنه‌ای چه بوده و چه مواردی را به‌عنوان بایسته لازم و ضروری برای مجموعه کلی پیروان ادیان الهی ترسیم کرده‌اند، از این‌رو در ادامه اجرای روش تحلیل مضمون، فقط به مقوله «ویژگی‌های مشترک پیروان ادیان الهی» پرداخته و نتایج حاصل از این بخش را دسته‌بندی و تحلیل نموده‌ایم که تحلیل کیفی و توصیفی آن‌ها در ادامه به‌عنوان اصلی‌ترین نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر بیان می‌شود.

## ۳- بایسته‌ها و ویژگی‌های مشترک ادیان الهی از منظر آیت‌الله‌خامنه‌ای

بررسی‌ها و مطالعاتی که به روش «تحلیل مضمون» بر آثار و بیانات رهبر گران‌قدر انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته نشان می‌دهد که بیان ویژگی‌های مشترک پیروان ادیان الهی و وجوه اشتراک میان آن‌ها، یکی از مهم‌ترین مضامین در سخنان و مکتوبات گردآمده از این شخصیت فاضل

و اندیشمند بوده، به گونه‌ای که حدود ۳۰٪ از مجموع مضامین پایه را به خود اختصاص داده است. منظور از «ویژگی‌های مشترک» در این مقاله، اموری است که انتظار می‌رود مؤمنان به هر یک از ادیان و مذاهب الهی و آسمانی، بدان عمل کنند و مقید بودن به آن را از جمله ویژگی‌های مشترک خود به‌شمار آورند؛ بنابراین، آگاهی از این موارد و تبیین آن برای همه پیروان ادیان الهی از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد وحدت و هم‌دلی میان ایشان شود. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای این مسأله بر محور مشترکات ادیان قرار گرفته است که نشان می‌دهد یکی از موضوعات کلیدی و قابل طرح در گفت‌وگوهای ادیان از دیدگاه ایشان، بحث از ویژگی‌های مشترک ادیان الهی و تلاش برای تحقق آرمان‌های هم‌سو هست.

این ویژگی‌های مشترک که می‌بایست مورد اهتمام جدی قرار گیرند، ذیل شش مقوله کلی طبقه‌بندی شده‌اند که عبارت‌اند از: اقامه عدل و مبارزه با ظلم، پیروی از تعالیم دینی و اعتقاد به معنویت، اعتقاد به ارزش‌های انسانی و احترام به مقدسات دیگران، حمایت از پیروان دیگر ادیان الهی، اعتقاد به ظهور منجی و گفت‌وگو برای تفاهم. در ذیل نمودار سنجش فراوانی این موارد درج شده است:



نمودار ۱: سنجش فراوانی مضامین سازمان‌دهنده ویژگی‌های مشترک پیروان ادیان الهی در ادامه هر یک از این مقوله‌ها به اختصار معرفی و تبیین شده و تلاش گردیده تا مبانی قرآنی و اعتقادی آن‌ها همراه با کارکردی که در راستای ایجاد صلح و وحدت جهانی دارند، بیان شود. به جهت محدودیت حجم مقاله نیز از تکرار بیانات رهبری پرهیز شده و صرفاً کدشناسه مضامین درج گردیده است.

### ۳-۱- اقامه عدل و مبارزه با ظلم

به جرأت می‌توان گفت که ویژگی اقامه عدل و مبارزه با ظلم، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی‌هایی است که آیت‌الله خامنه‌ای در مجموعه کلی بیانات خودشان به‌عنوان یک مسأله جدی و ضروری برای همه پیروان ادیان الهی بیان کرده و آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. ایشان در سخنرانی‌های متعدد به مناسبت میلاد پیامبران آسمانی و یا دیگر مناسبت‌های بین‌الادیانی، به این مقوله مهم و اساسی پرداخته و توضیحات مفصلی در این خصوص بیان کرده‌اند تا پیروان ادیان الهی، این مسأله مهم را به‌عنوان یکی از بارزترین ویژگی‌های مشترک مدنظر خود داشته باشند.

آیت‌الله خامنه‌ای اساس ادیان الهی را اقامه عدل دانسته (A۱) و معتقد است دفاع مذهب از عدالت و مظلومان، موجب گرایش جوانان به دین می‌شود (A۴۵). همچنین، ایشان مبدأ، مسیر و منتهای تمام رسولان خدا (ع) را عدل معرفی می‌کند (A۱۳۲) و ایستادگی پیوسته آنان در کنار مظلومان را از خصوصیات ادیان الهی برمی‌شمارد (A۱۳۱). افزون بر این، به‌طور خاص به جایگاه عدالت در زندگانی با برکت حضرت عیسی (ع) اشاره می‌کند و می‌فرماید: «او پرچم‌دار عدالتی آسمانی بود که ستم‌دیدگان زمین را به رهایی از اسارت قدرت‌های ستم‌گر و قُلدران متجاوز فرامی‌خواند» (A۷۳).

در تبیین این ویژگی مهم به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های مشترک همه پیروان ادیان الهی باید به این مسأله توجه داشت که از دیرباز تاکنون، همواره عدالت یکی از آرمان‌های والای بشری بوده و از جایگاه ارزنده‌ای در اندیشه ادیان الهی برخوردار بوده است. قرآن کریم هدف تمام انبیای الهی را حاکمیت عادلانه و برپایی حکومت قسط در جامعه عنوان می‌کند (اراکی، ۱۳۹۳: ۱۸۸) و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ الْإِنْسَانُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). این آیه که در سنت تفسیری برابر با عدل (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۳۹۱) و انصاف (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۷۱/۲۹) ترجمه شده، به عدالت اجتماعی اشاره دارد که پایه اصلی برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلام است (حکیمی و دیگران، ۱۳۶۸: ۳۷۰) و خاطر نشان می‌سازد مسأله اصلی هر دینی، حکمرانی و قانون‌گذاری می‌باشد که می‌تواند عدالت را در زندگانی مردم به جریان اندازد. بر این اساس، به آمیختگی سیاست با دین در امر حکومت‌داری اشاره می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۲ / ۴۶-۴۷).

مطابق آیه مذکور، عدالت حقیقی در پرتو رهبری (رُسل) و قانون (کتاب) دینی محقق می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۸: ۹ / ۴۸۷). همچنین، بعید نیست مقصود از میزان، آئینی باشد که [صحت] باورهای اشخاص را می‌سنجد و زندگی سعادت‌مندانه افراد و جوامع بدان قوام می‌یابد (طباطبایی،

۱۳۵۲ / ۱۹: ۱۷۱). در همین خصوص، قرآن کریم مأموریت رسول اکرم (ص) را برقراری عدالت بیان می‌دارد: «وَأَمْرٌ لِّأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» (شوری، ۱۵) و این را دستور خدای متعال برمی‌شمارد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...» (نحل، ۹۰). افزون بر این، در موارد بسیار دیگری نیز از عدل (نک. عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۴۴۸-۴۴۹) و قسط (نک. عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۵۴۴-۵۴۵) در قرآن کریم یاد می‌شود؛ چه عدالت حافظ نظام و نگاه‌دارنده اجتماع می‌باشد (رضا، ۱۴۱۴: ۵ / ۴۵۵) و بر مسلمان است که در برپایی آن بسیار بکوشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...» (نساء، ۱۳۵) تا پیرو حق باشند و از تضییع آن بپرهیزند (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۵ / ۱۰۸).

با وجود ارزشمندی عدالت، در تبیین مفهوم آن اختلاف فراوانی به چشم می‌خورد. در میان اندیشمندان غربی، برخی عدالت را در نظر گرفتن شایستگی‌های فردی می‌دانند؛ برخی آن را حد وسط میان ستم کردن و ستم دیدن برمی‌شمارند؛ برخی آن را با قانون طبیعی برابر می‌گیرند؛ برخی دیگر آن را عملی می‌شناسند که مبتنی بر اصول ناظر به صیانت از حقوق اساسی بشر باشد؛ و برخی آن را متشکل از سه عنصر آزادی، برابری و پاداش در قبال منفعت‌رسانی به همگان بیان می‌کنند؛ بنابراین، مفهوم حق - که از نگاه ایشان متکی بر افراد بشر است - نقش محوری در این اندیشه پیدا می‌کند (لشکری، ۱۳۸۸: ۳۳-۴۴).

از دیگر سو، اندیشمندان مسلمان اغلب چهار معنا را برای عدالت ذکر می‌کنند: توازن؛ تساوی؛ اعطای حق به صاحب‌اش؛ و رعایت استحقاق‌ها در افاضه و امتناع (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۸). با این حال، برخی عدالت در قرآن کریم را مستعمل در هشت معنا احصاء کرده‌اند: رعایت تساوی در ادای دیون و اعاده حقوق مادی و معنوی اشخاص؛ رعایت حق در صدور احکام؛ عمل مطابق واقع و راست‌گویی در گفتار و نوشتار و شهادت؛ انصاف در چارچوب قوانین الهی در ایجاد صلح در جایی که امکان تشخیص حق وجود ندارد؛ مراعات مصالح و مفساد حقیقی در تشریح قوانین؛ اجتناب از افراط و تفریط؛ توجه به استحقاق در اعطای پاداش یا مجازات؛ رعایت قانون حق در قضاوت و هنگام معاشرت با مردم (خسروپناه و دیگران، بی‌تا: ۷۱). آنگاه این موارد را در اعطای حق به ذی‌حق خلاصه نموده‌اند ((خسروپناه و دیگران، بی‌تا: ۷۲).

به‌علاوه، در میان روایات ائمه اطهار (ع) می‌توان توصیه‌های فراوانی به عدالت‌ورزی یافت. برای مثال امیرالمؤمنین (ع) در نامه به مالک اشتر فرمود: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ» (رضی، ۱۴۱۴: ۴۲۹). یا ایشان به یکی دیگر از فرماندهان خود فرمود: «وَأِنِّي أُوصِيكَ بِالْعَدْلِ فِي رَعِيَّتِكَ وَالْإِحْسَانِ إِلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ»

(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲ / ۲۵۹). یا آن حضرت (ع) در سخنی دیگر، اهتمام به سه امر را برای حاکم ضروری دانسته و فرمود: «... وَالْقِسْمُ بِالْعَدْلِ بَيْنَ الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶ / ۲۲۷). در روایتی از امام صادق (ع) نیز به پیامد خوشایند اقامه عدل در جامعه اشاره شده و آن حضرت (ع) زندگی در حکومت عدالت‌محور را چنین توصیف فرموده است: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَالْبَيْنُ مِنَ الزُّبْدِ وَأَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۴۷). ایشان همچنین مشروعیت حکومت را اساساً وابسته به عدالت فرمان‌روای آن عنوان فرموده است: «فَإِذَا صَارَ الْوَالِي وَالِي عَدْلٍ بِهَذِهِ الْجِهَةِ فَأَلْوَلِيَّةٌ لَهُ وَالْعَمَلُ مَعَهُ وَمَعُونَتُهُ فِي وِلَايَتِهِ وَتَقْوِيَّتُهُ حَلَالٌ مُحَلَّلٌ» (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴: ۳۳۲).

مبارزه با ظلم و ستم ستم‌کاران نیز از دیگر مباحثی است که در بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای در ادامه مباحث اقامه عدل مطرح شده و بسیار بر آن تأکید گردیده است. این موضوع در حقیقت سویه دیگر اقامه عدل به‌شمار می‌آید؛ با این تفاوت که مختص به مردمان ستم‌کشیده و رنج‌دیده نمی‌شود، بلکه شامل همه پیروان ادیان آسمانی است؛ به عبارت دیگر، این امر فراتر از مسأله حمایت از ملت‌های مظلوم (See: Protocol Additional to The Geneva Conventions, 1977: 278) و تقدیم کمک‌های بشردوستانه به ایشان است که در حقوق بین‌الملل مطرح بوده (Spicker, 2011: 7) و با عنوان «اصل مسئولیت حمایت» از آن یاد می‌شود (اعرابی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۱). اما مقصود از مبارزه با ظلم در اینجا اغلب اشاره به مفهوم استکبارستیزی و مواجهه با ستمگران دارد که وجه تمایز این مقوله با مورد سابق است.

آیت‌الله‌خامنه‌ای با اشاره به این وظیفه خطیر پیروان ادیان آسمانی (A۲۲)، پیروی حقیقی از انبیای الهی را مقابله با جنایات ظالمان و ستم‌پیشگان دانسته (A۱۲۵) و همواره بر این نکته تأکید داشته است که مسلمانان مشکلی با مسیحیان یا یهودیان ندارند؛ اما با غاصبان صهیونیست نمی‌سازند (A۲۷). به تعبیر ایشان «اسلام علیه ملت‌های دیگر نیست، علیه ادیان دیگر نیست؛ علیه زور است، علیه ظلم است، علیه استکبار است» (A۳۷). بدین‌جهت، ایشان اعتراض به صهیونیست‌ها را وظیفه دستگاه مسیحیت برشمرده (A۴۳) و مسأله فلسطین را نه یهودی‌ستیزی مسلمانان، بلکه مبارزه با غاصبان این سرزمین بیان کرده است (A۱۲۶).

در توضیح این مطلب نیز باید به این نکته توجه داشت که مبارزات انبیاء الهی با طواغیت و مستکبران زمانه خویش را می‌توان نمونه تاریخی و دینی این مقوله قلمداد کرد. قرآن کریم در این خصوص به داستان حضرت موسی (ع) در تقابل با فرعون و پیروان او اشاره می‌کند و از آنان با تعبیر قوم ستمگر یاد می‌کند: «وَإِذِ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ \* قَوْمِ فِرْعَوْنَ» (شعراء،

۱۱-۱۰). او که در قرآن با صفاتی چون مستکبر، برتری‌جو، طغیان‌گر، ظالم، مفسد، مستبد، مسرف و... شناخته شده (خضر، ۲۰۰۳: ۱۶) و به گزارش تواریخ، مرتکب جنایات فراوانی علیه بنی اسرائیل گشته است (مقدسی، بی‌تا: ۸۳/۳)، به سان نماد ظلم و ستم در قرآن مجید بروز می‌یابد و مواجهه حضرت موسی (ع) با او به مثابه الگوی ستم‌ستیزی تعریف می‌شود. ضمن آنکه مشابه این داستان را در سفر خروج و تثبیه از کتاب مقدس (See: Dewey, 2022) نیز می‌توان پی جست.

افزون بر این، قرآن کریم در تأکید بر ضرورت مبارزه با ظلم و ظالم، عدم اهتمام به آن را موجب سیطره شرک بر اهل ادیان و نابودی آئین‌های مذهبی بیان می‌کند (صابونی، ۱۴۲۱: ۲/۲۶۸) و می‌فرماید: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمْتُ صَوْمِعٌ وَبِيعَ وَصَلَوْتُ وَمَسَجِدٌ يَذْكُرُ فِيهَا أَسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج، ۴۰)؛ چنان‌که در این آیه به عبادت‌گاه‌های ادیان گوناگون اشاره کرده (خرم‌دل، ۱۳۸۴: ۶۹۲) و اهمیت مقابله با دشمن مشترک ادیان الهی را به‌عنوان یکی از وظایف ایشان یادآور شده است. در پاره‌ای از روایات نیز ضمن نهی شدید از هم‌دستی و همکاری با ستم‌پیشگان (طبرانی، ۱۴۱۵: ۳/۲۱۱)، سکوت در برابر فریاد مظلومان خود نوعی ظلم به‌شمار آمده (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۳۳) و بی‌اعتنایی به این دادخواهی برابر با خروج از آئین اسلام عنوان گشته است (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۱۷۵).

ستم‌ستیزی که در دیدگاه ائمه هدی (ع) اختصاصی به مسلمانان و شیعیان ندارد (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۷۲)، از اقدامات اساسی در سیره ایشان بود و در راستای عمل به وظیفه سیاسی - الهی خویش و آگاه‌سازی مردمان صورت می‌گرفت (ملک‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۳). یک نمونه تاریخی مشهور در این رابطه، پیمان «حلف الفضول» است که نبی اکرم (ص) پیش از بعثت به آن پیوستند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/۱۰۳). دیگر نمونه آشکار مبارزه با ظلم و جور در سیره معصومان (ع)، قیام سیدالشهداء (ع) در کربلاء است که اسوه نیکوی باورمندان به ادیان آسمانی قرار گرفته است. بدین ترتیب، اصل صدوپنجاه‌وچهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از این رفتار شایسته، شعار مبارزه با مستکبران جهان را سر داده است.

یکی از این ستمگران و مستکبران سیاسی در عصر حاضر که حکمرانی ناحق بر مردم می‌راند، رژیم اشغالگر قدس است (سلیمی وردنجانی و فوزی، ۱۳۹۸: ۱۰). شهید مطهری با اشاره به جنایات اسرائیل علیه ملت فلسطین، بر این باور است که اگر گروهی ستمکار با ما در جنگ نباشد، لیکن انسان‌های دیگری را تحت تجاوز قرار بدهد و ما قدرت نجات ایشان را داشته باشیم، عدم اقدام برای نجات مظلوم در حقیقت کمک به ظالم است؛ هرچند این افراد مسلمان باشند یا نباشند

۱۳۸۹ الف: ۴۷). بنابراین مبارزه با این رژیم ستمگر به‌عنوان یکی از وظایف پیروان ادیان آسمانی تلقی می‌شود که در سخنان رهبران انقلاب اسلامی نیز - چنان‌که در پی می‌آید - نمود آشکاری دارد.

### ۳-۲- پیروی از تعالیم دینی و اعتقاد به معنویت

دومین ویژگی مشترک بیان شده برای پیروان همه ادیان الهی در بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای، مسأله پیروی از تعالیم دینی و اعتقاد به معنویت است. این ویژگی که برخاسته از روح حاکم بر فرهنگ اسلامی است، ریشه در آیات قرآن کریم دارد؛ چراکه در قرآن کریم مسأله عبودیت و بندگی خداوند متعال به‌منزله هدف خلقت تمام جن و انس و از جمله پیروان ادیان الهی معرفی شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶). از این رو همه انسان‌ها به پرسش خدای یکتا امر شده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (بقره، ۲۱) و از عبادت جز او نهی می‌شوند: «أَنْ لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ» (هود، ۲۶). همچنین در کنار اهتمام به امر عبادت خداوند متعال، قرآن کریم تأکیدات فراوانی به ابعاد معنوی جهان هستی دارد، انسان‌ها را به تلاش برای دستیابی به آن فراخوانده: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا...» (اسراء، ۱۹)، آن را برتر و پایدارتر از این دنیا توصیف کرده: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (اعلی، ۱۷)، جهان مادی را در برابر آن بی‌ارزش خوانده: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» (رعد، ۲۶)، ناباوران به آن را به عذاب دوزخ تهدید کرده: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا... أُولَٰئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ» (یونس، ۷-۸) و به شبهات تردیدکنندگان در آن پاسخ داده است (یس، ۷۷-۷۹).

همچنین، در منابع روایی می‌توان شمار فراوانی از احادیث مرتبط با عبادت خداوند و ابعاد مختلف این عمل را یافت؛ چنان‌که گاهی به‌عنوان بهترین کار معرفی شده: «كَفَىٰ بِالْعِبَادَةِ شُغْلًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۸۵) و از مسلمانان خواسته شده تا خود را بدان عادت بدهند: «عَبُدُوا أَنْفُسَكُمْ لِعِبَادَتِهِ» (رضی، ۱۴۱۴: ۳۱۳). در روایتی دیگر نیز آغاز عبادت با خداشناسی بیان شده: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۴) و در کیفیت مطلوب آن گفته شده است: «اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ؛ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَرَاكَ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۶). ضمن آنکه درجه بالای آن را ادای تکالیف الهی دانسته: «اعْمَلْ بِمَا افْتَرَضْتُ عَلَيْكَ، تَكُنْ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ» (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۲۸۱) و انجام درست آن را برخاسته از محبت خداوند به بنده خود برشمرده است: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا اللَّهُمَّ حَسِّنِ الْعِبَادَةَ» (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۸۵).

بر این اساس و هم‌سو با فرمایش‌های مکرر اسلام به امر عبادت خداوند، آیت‌الله خامنه‌ای نیز به این مسأله از بُعد برون‌دینی آن نیز تأکید داشته و رابطه انسان و خدا در ادیان الهی را از نوع بندگی توصیف کرده است (A۱۵). ایشان همچنین به‌طور خاص حضرت عیسی مسیح (ع) را دعوت‌کننده‌ای به پرستش آگاهانه خداوند معرفی می‌کند (A۷۱) که از تبعیت هوا و هوس باز می‌داشته است (A۷۴).

همچنین شایان ذکر است که در اندیشه عالمان مسلمان، دین اسلام به سه بخش: عقاید، اخلاق و احکام تقسیم می‌شود (مطهری، ۱۳۹۰: ۸۵). دو قسم اخیر، رفتارهایی را از انسان می‌طلبند که آن‌ها را می‌باید انجام بدهد یا از برخی دیگر بپرهیزد تا به رستگاری برسد. در خصوص التزام به این امور و تنفیذ صحیح و کامل آن‌ها آیات و روایات فراوانی به چشم می‌خورد. برخی از این آیات، مطلقاً دستور به پیروی از خدا و پیغمبر او (ص) می‌دهند: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ» (آل عمران، ۱۳۲)؛ برخی به تقوا و پابندی به دین فرمان می‌دهند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» (توبه، ۱۱۹)؛ برخی فرائض با عنوان عمل صالح نام می‌برند و انجام آن را از مؤمنان می‌طلبند: «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» (کهف، ۱۱۰)؛ برخی به یکی یا چند مورد از واجبات دستور می‌دهند: «وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (بقره، ۱۱۰)؛ برخی پیامد و سرنوشت نیکوی اطاعت‌پذیری از این فرمان‌ها را یادآور می‌شوند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» (بقره، ۸۲)؛ برخی به پیشینه این احکام در ادیان دیگر اشاره می‌کنند و اهتمام به آن‌ها را از مسلمانان می‌خواهند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» (بقره، ۱۸۳)؛ و بسیاری از آیات دیگر که به پیروی از آموزه‌های عملی اسلامی تأکید دارند.

افزون بر آیات شریفه، در روایات اسلامی نیز بر مسأله پابندی به احکام شرعی و واجبات دینی تأکید فراوان شده و حجم گسترده‌ای از دستورات مرتبط با آن‌ها را دربرگرفته است. در پاره‌ای از این روایات مکتب تشیع، عمل به تعالیم دینی، جزو ایمان به حساب آمده (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۱۷۹) و این مفهوم از سوی بزرگان اهل سنت نیز مورد تأکید واقع شده است (صنعانی، ۱۴۳۷: ۱/۳۸). از این رو نشانه تمایز مؤمن از منافق، کثرت عمل او عنوان شده (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۳۹۷) و پابستگی این عمل بر حجم آن تفوق یافته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۸۲؛ ابن بشران، ۱۴۱۸: ۴۹). همچنین، ضمن تأکید بر عدم ترک اعمال صالحه و تلاش در عبادت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/۳۴۷)، پاداش

آن، تقرب به خدای متعال و برآورده شدن حاجات آن فرد بیان شده است (بخاری، ۱۴۱۴: ۵/ص ۲۳۸۴؛ شعیری، بی‌تا: ۸۱).

بنابراین عنایت خاص به اطاعت از تعالیم مذهبی به آئین اسلام اختصاص ندارد؛ بلکه در دیگر ادیان آسمانی نیز می‌توان تأکید بر این مهم را به‌صورت آشکار مشاهده کرد. برای مثال، بخش شرایع سنت یهود که با نام «هالاخا» شناخته می‌شود، شامل تمامی روابط، اعمال و آداب و رسوم فردی، اجتماعی، ملی و فراملی است و نظام شرعی این دین را تشکیل می‌دهد (Jacobs, 2007: 251). همچنین به بخشی از دستورات تورات با نام «ده فرمان» می‌توان اشاره داشت که در آیات ۱-۱۷ فصل ۲۰ از سفر خروج و آیات ۶-۲۱ فصل ۵ از سفر تثنیه ذکر شده (Harrelson, 2005: 9074) و از اهمیت خاصی نزد دو آئین یهود و مسیحیت برخوردار است (Polan, 2003: 4)؛ بنابراین اوامر و نواهی الهی در این دو دین ابراهیمی همانند اسلام موردتوجه بوده است.

اما جدای از حجم گسترده آموزه‌های عملی ادیان آسمانی و سفارش‌های فراوان بزرگان این ادیان به رعایت آن شرایع و پایبندی به قوانین مذهبی، آنچه در اینجا اهمیت دارد، محوریت پیروی از تعالیم دینی در گفت‌وگوهای بین‌الادیانی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی است. رهبر عالی‌قدر انقلاب اسلامی نیز برای مقوله مذکور اهمیت خاصی قائل شده و در شماری از سخنان خود بر پیروی دین‌باوران از تعالیم مذهبی تأکید کرده است. ایشان یکی از وظایف پیروان ادیان الهی را دعوت به خیر، صلاح و کمال عنوان می‌کند (A۵) و نظم شایسته جهانی را نیازمند پیروی از تعالیم انبیاء گرامی (ع) می‌داند (A۶۰). به تعبیر ایشان، «یکی از وظایف کسانی که به سرنوشت بشریت و نسل جوان علاقه‌مندند، مقابله با فساد و بی‌بندوباری روزافزون در جهان است» (A۴۴). از این رو ایشان شناخت درست دستورات و زندگانی پیامبران الهی - از جمله حضرت عیسی مسیح (ع) - را امری ضروری و لازمه تبعیت از آن حضرات (ع) برمی‌شمارد (A۸۹) و تأکید می‌کند این شناخت از دین به‌صورت مستقیم و بی‌واسطه حاصل گردد (A۸۱).

### ۳-۳- اعتقاد به ارزش‌های انسانی و احترام به مقدسات دیگران

از دیگر ویژگی‌های مشترک بیان‌شده برای پیروان ادیان الهی در بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای، مسأله اعتقاد به ارزش‌های انسانی و احترام به مقدسات دیگران است. ایشان معتقد است که فطرت همه انسانها به پاکی، عدالت و همدردی فرامی‌خواند (A۱۲۰). ایشان با اشاره بر وجود ارزش‌ها و ضدارزش‌های الزام‌آور در ادیان و مذاهب (A۲)، آن ارزش‌ها را مطمئن‌ترین معیار تنظیم رفتار بشر می‌داند (A۱۷) و تأکید می‌کند که فضایل انسانی می‌باید مبتنی بر آموزه‌های انبیاء الهی گسترش یابد (A۶۱). در نگاه ایشان، همه ادیان آسمانی تا پیش از ورود تحریف‌ها، دین انسانیت، اعتدال و

خردورزی بوده (A۲۶) و بدین جهت، حقیقت دین مسیحیت و اسلام یکی است (A۸۸). از این رو هم‌زیستی ادیان الهی، یک واقعیت زیبا خواهد بود (A۱۰۱). در اینجا همچنین شایسته است از سخن امام خمینی یاد شود که گسترش ارزش‌های انسانی و ادیان الهی را پیامد ایستادگی و جدیت رهبران و انبیای بزرگوار عنوان می‌کند (خمینی، ۱۳۸۵: ۴/۸۱).

به‌طور کلی باید توجه داشت که در ادیان آسمانی به ارزش‌های انسانی توجه خاصی شده است. مقصود از این ترکیب، فضایی است که در طبیعت انسان ریشه دارد؛ به عبارت دیگر، همه مردمان از نژادها، قومیت‌ها و ادیان گوناگون به این رفتارهای پسندیده احترام می‌گذارند (Pahlavan, 2020: 112). قرآن کریم با تعبیر فطرت از ارزش‌های گران‌قدری که در انسان‌ها نهادینه شده، یاد می‌کند: «فَطَرَتَ اللَّهُ الْأَتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الْدِّينُ الْقِيمُ» (روم، ۳۰). این آیه در روایات شیعه و سنی به دین خدا (سیوطی، بی‌تا: ۶/۴۹۳) یا همان توحید (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۴۱) تأویل شده است. بنابراین مقصود از دین قیّم، همان آئین یکتاپرستی است که منافع اجتماعی بشر را حفظ می‌کند؛ در حالی که ادیان شرک‌آمیز، مولود انگیزه‌های شخصی گوناگون است و میل طبیعی بشر را از یکتاپرستی به رفتاری غیرطبیعی تغییر می‌دهد (صدر، ۱۴۱۷: ۳۱۲).

از میان ارزش‌های انسانی فراوانی که کلام‌الله مجید به آن‌ها دستور می‌دهد، می‌توان به مواردی مانند صبر و گذشت (شوری، ۴۳)، ادای امانت (نساء، ۵۸)، انفاق (منافقون، ۱۰)، فداکاری (بقره، ۲۰۷)، وفای به عهد (مائده، ۱)، عمل صالح (رعد، ۲۹)، علم‌اندوزی (مجادله، ۱۱)، استقامت در دین‌داری (فصلت، ۳۰)، دفاع از مظلومان (نساء، ۷۵)، برادری (حجرات، ۱۰)، برابری نژادی (حجرات، ۱۳)، عدالت‌ورزی (نحل، ۹۰) و ... اشاره داشت. البته بی‌تردید وجه برتری انسان در به‌کارگیری قوه عاقله خویش برای بهره‌مندی از این فضایل اخلاقی است (نعمتی پیرعلی و حشم‌فیروز، ۱۳۹۱: ۹۰). در دیگر منابع اسلامی نیز حجم بسیار بالایی از روایات به موضوعات اخلاقی و ارزش‌های انسانی اختصاص یافته است. در این بین، می‌توان از قانون عامی یاد کرد که مورد قبول همه ادیان است: «أَحِبُّ لِعَيْبِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا» (رضی، ۱۴۱۴: ۳۹۷). این حدیث شریف به صورت‌های دیگری نیز نقل شده است؛ مانند سخن امام حسن (ع) که می‌فرماید: «صَاحِبِ النَّاسِ مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَصَاحِبُوكَ بِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/۱۱۶)؛ یا نقلی دیگر به همین مضمون از رسول خدا (ص) که فرمود: «وَأَحِبُّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَهْلِي بَيْتِكَ، وَأَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَأَهْلِي بَيْتِكَ» (ازدی، ۱۴۰۳: ۱۱/۳۴۹).

افزون بر این، در انجیل نیز همین گفتار - موسوم به «قانون طلایی» - از حضرت عیسی مسیح (ع) نقل می‌شود و ایشان این اندیشه را به همه انبیای الهی نسبت می‌دهد (متی ۷: ۱۲).

در ادامه این مباحث باید به مقوله احترام به مقدسات پیروان دیگر ادیان و اجتناب از هتک حرمت آن‌ها نیز اشاره کرد که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دارای اهمیت فراوانی است و به مثابه یکی از امور لازم و ضروری برای همه ادیان آسمانی معرفی شده است. این ویژگی نیز ریشه در معارف و فرهنگ اسلامی دارد. اگر در تورات از اهانت به یهوه و در انجیل از اهانت به اقاییم ثلاثه منع شده است، اسلام توهین به مقدسات دیگران را نمی‌پذیرد و آن را جرم می‌نگارد (کاظمی‌راد، ۱۴۰۰: ۸۳). این عمل که در زمره توهین‌های مشدد قرار می‌گیرد و گاه علیه امنیت ملی و آسایش عمومی تلقی می‌شود (توکلی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۰)، نقض حریم اعتقادی اشخاص بوده و مستلزم کیفر مرتکبان است (باقری و وفادرویش‌پور، ۱۳۹۶: ۹۳). از این رو همه ادیان اهانت به مقدسات را مستوجب عقوبت اخروی یا مجازات دنیوی بر شمرده‌اند (ولیدی، ۱۳۶۹: ۲/۲۵۷).

همچنین، در قرآن مجید نهی صریح از این رفتار ناشایست به چشم می‌خورد؛ آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (انعام، ۱۰۸). در حقیقت، قرآن کریم به کتب دیگر ادیان آسمانی و عقاید صحیح پیروان‌شان احترام می‌گذارد و به مقدسات ایشان توهین نمی‌کند (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۷: ۵/۱۷۴)؛ چه در دعوت به دین نیز می‌باید حرمت مقدسات را نگاه داشت (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱/۵۳۲) و ادب دینی را به دستور این آیه شریفه رعایت کرد تا جامعه دینی از آلودگی به اهانت و بدگویی محفوظ بماند (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۷/۳۱۴). در مقابل این نهی، قرآن کریم روش اقامه برهان و جدال احسن را پیش می‌نهد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۲۶/۵۳۳) و می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت، ۴۶). چنین امری در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مستلزم شناخت زبان مخاطبان است (A۲۵) که نیازمند تجربه دوسویه و فهم مشترک می‌باشد (Byrne, 2011: 1).

در سیره اولیاء معصومین (ع) نیز از دشنام دادن به مخالفان مذهبی نهی (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۱۰۷) و این عمل مورد کراهت اهل بیت (ع) واقع شده است (رضی، ۱۴۱۴: ۳۲۳). همچنین در مواردی می‌توان به واکنش تند علیه مرتکبان این رفتار ناپسند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۵۴۰) یا قطع رابطه با چنین افرادی (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۲۴) اشاره داشت. در همین زمینه، آیت‌الله خامنه‌ای از تعرض به پیروان دیگر ادیان نهی کرده است (A۵۰) و ضمن آنکه در موارد اهانت اتفاق افتاده علیه ادیان تأکید داشته‌اند که این اقدام شنیع نباید به پای همه اهل آن دین نوشته شود یا به صورت مقابله به مثل دفع شود (A۴۷).

### ۳-۴- حمایت از پیروان دیگر ادیان الهی

بر مبنای مطالعه انجام‌شده، حمایت از پیروان دیگر ادیان الهی و مظلومان جهان، یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک همه باورمندان به هریک از ادیان و مذاهب در نگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای عنوان شده است. این مهم که یکی از آموزه‌های پسندیده فطری است (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۱۴)، در قرآن کریم به صورت آشکار یافت می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَأَ تَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا» (نساء، ۷۵)؛ بنابراین، خداوند متعال مسلمانان را امر می‌فرماید تا در راه او جهاد کنند و از مظلومان و مستضعفان در هر نقطه‌ای از جهان دفاع کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/۲۸) و ایشان را از جامعه ستمگر و رژیم طاغوت برهانند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲/۱۲۲)؛ چه اسلام هیچ مرزی در این مسیر نمی‌شناسد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۷).

حمایت از ستم‌دیدگان در برابر ستم‌کاران از دستوراتی است که در روایات اسلامی نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است. نمونه‌ای از این موارد، سخن معروف امیرالمؤمنین (ع) پیش از شهادت می‌باشد که به اهل خویش می‌فرماید: «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (رضی، ۱۴۱۴: ۴۲۱). این سخن که بی‌قید و شرط بیان شده است، نشان می‌دهد دین و مذهب ظالم یا مظلوم در اجرای حکم اثری ندارد (قانع، ۱۳۹۸: ۹۳). حضرت علی (ع) که دلیل قبول حکومت را حمایت از مظلومان در برابر ظالمان برمی‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲/۳۹۵)، خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «وَأَيُّمُ اللَّهُ لَأُنصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَلَأُقُوْدَنَّ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ» (رضی، ۱۴۱۴: ۱۹۴)؛ چه این وظیفه‌ای است که خدای متعال برعهده عالمان نهاده است: «... أَخَذَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقْرُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبِ مَظْلُومٍ» (رضی، ۱۴۱۴: ۵۰).

افزون بر این دستورات و سفارش‌های عام، می‌توان به توصیه خاص قرآنی برای کمک مالی به نیازمندان اشاره داشت که می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ ... وَالْمَوْلَّاتِ قُلُوبُهُمْ» (توبه، ۶۰). روایاتی که در ذیل این آیه به چشم می‌خورد، مصداق آن را گروهی از موحدان بیان می‌نماید که غیرخدا را عبادت نمی‌کنند، لیکن ایمان به رسول خدا (ص) ندارند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۹۱). از این رو پیروان دیگر ادیان الهی می‌توانند مورد حمایت مالی مسلمانان قرار بگیرند که این حکم در فتاوی‌های شماری از فقهای شیعه (طوسی، ۱۳۸۷: ۱/۲۴۹؛ حلی، ۱۴۰۸: ۱/۱۴۹؛ عاملی، ۱۴۳۰: ۳۰۷/۱۲) و اهل سنت (قرطبی، ۱۳۸۴: ۸/۱۷۹) بیان شده است.

البته حمایت از ناهم‌کیشان در پاره‌ای از متون مقدس دیگر ادیان الهی نیز مشاهده می‌شود که این خود می‌تواند نقطه اشتراکی برای گفت‌وگوی ادیان قرار گیرد. برای نمونه، تورات به بنی‌اسرائیل فرمان می‌دهد به همسایه خویش محبت کنند (لاویان ۱۹: ۱۸). این سخن که یکی از اصول مهم تورات شناخته می‌شود (Talmud; 9: 4: 4)، از دیدگاه مفسران تورات، قانونی همه شمول است (Midrash, Sifra, 4: 12) و به اهتمام ورزیدن به دیگری همچون خویش‌نشان اشاره دارد (ben Maimon, 2007, 6: 3). اگرچه غالب مفسران ربانی، همسایه را به معنی اسرائیلیان گرفته‌اند (Pao & Schnabel, 2011: 1029)، لیکن این خطای تفسیری توسط حضرت عیسی (ع) تصحیح شده است (Henry, 1997: 900) و او پیروان خود را به محبت ورزیدن به دوست و دشمن سفارش فرموده (متی ۵: ۴۳-۴۴) و این سخن نزد مفسران کتاب مقدس به همه مردمان - به‌طور خاص نیازمندان - تعمیم داده شده است (Hale & Thorson, 2007: 264).

از این‌رو مشاهده می‌شود که موضوع حمایت از پیروان دیگر ادیان در کلام رهبر گران‌قدر جمهوری اسلامی ایران بازتاب گسترده‌ای یافته است؛ چنانکه آیت‌الله خامنه‌ای به ضرورت حمایت معنوی مسیحیان و یهودیان از مسلمانان علیه دشمنان ایشان تأکید کرده و انجام این وظیفه از سوی اقلیت‌های دینی ایران را مورد تمجید قرار داده است (۲۰۰۴). ایشان همچنین نسبت به اقدامات پلید مستکبران در راستای جنگ‌افروزی میان باورمندان به ادیان ابراهیمی هشدار داده (۲۰۰۶) و مقابله با آن‌ها را برعهده همه ایشان دانسته‌اند: «وظیفه همه آزادی‌خواهان جهان و همه ادیان ابراهیمی است که در کنار مسلمانان با سیاست پلید اسلام‌ستیزی با این شیوه‌های نفرت‌بار مقابله کنند» (۲۰۰۴).

### ۳-۵- اعتقاد به ظهور منجی

یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک بیان‌شده برای پیروان همه ادیان الهی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مسأله اعتقاد به ظهور منجی و انتظار برای آن است. اساساً پیروان ادیان آسمانی اعتقاد راسخی به پیروزی ایمان بر کفر، حاکمیت حق بر باطل، نجات مظلومان و وراثت زمین به صالحان دارند که در تعالیم خود با عنوان [ظهور] منجی عدالت‌گستر از آن یاد می‌کنند (یدالله‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۶). این باور به‌حدی گسترده و متداول است که با مطالعه ادیان غیر الهی نیز عقیده مشترکی چون امید به ظهور منجی در آخرالزمان را به‌صورت آشکار می‌توان دید (عرب، ۱۳۹۳: ۱۴۹). این باور در شماری از آیات کتب مقدسه ادیان آسمانی بازتاب یافته است. برای مثال، آیه شریفه: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵) از مهم‌ترین آیات مرتبط با آموزه‌های آخرالزمانی در میان مسلمانان است که برابر با آیه ۲۹ از فصل ۳۷ مزامیر به شمار می‌رود (نک. پاکتچی، ۱۳۹۶).

با مضمونی مشابه، آیه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (نور، ۵۵) و آیه: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵) نیز به مسأله منجی موعود در دین اسلام اشاره می‌کند. در عهد عتیق هم از شخصیت موعودی یاد می‌شود که به عدالت حکم خواهد راند و برای مظلومان زمین کمر همت خواهد بست (اشعیا ۱۱: ۴). یا در عهد جدید با تمثیل به انتظار غلام برای صاحب‌خانه‌ای که ناگهان سر برسد، به اهمیت انتظار برای منجی موعود و انجام اعمال صالحه در این هنگام سخن رفته است (متی ۲۴: ۴۲-۵۱). بدین جهت رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر وعده همه ادیان به ظهور منجی عدالت‌گستر (A۱۴) به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مشترک آن‌ها اشاره داشته و امید به آینده‌ای روشن را مورد اتفاق تمام ایشان برشمرده است (A۱۰۷).

### ۳-۶- گفت‌وگو برای تفاهم

مسأله اعتقاد به گفت‌وگوی میان ادیان الهی و امکان وقوع آن از نگاه رهبر انقلاب اسلامی یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که پیروان ادیان الهی می‌بایست بدان متصف بوده و آن را باور داشته و بدان عمل نمایند. به عبارتی، توجه به این مهم را می‌توان یکی از اندیشه‌های ویژه آیت‌الله خامنه‌ای دانست که با اقتضائات زمانی جهان کنونی هم‌خوانی دارد. موضوع گفت‌وگوی پیروان دین‌باوران برای دست‌یابی به تفاهم و نقاط اشتراک نیز از پیشینه دینی برخوردار است. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَكَلَّا نُنشِرِكَ بِهِ شَيْئًا وَكَلَّا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران، ۶۴). خداوند متعال در این آیه به گفت‌وگوی ادیان فرا می‌خواند و گفت‌وگو را ابزاری برای دست‌یابی به حق بیان می‌دارد (حنفی، ۲۰۰۴: ۷۰/۱). در حقیقت، آیه شریفه بدین جهت از اهل کتاب برای پذیرش مشترکات ادیان دعوت می‌کند (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۵۰/۲) که همه پیروان ادیان آسمانی درباره توحید، شرک و ربوبیت با اسلام موافق هستند و در [اصل] آن‌ها اختلافی ندارند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۴۶۲/۲)؛ بنابراین، فراخوان قرآن مجید به زمینه‌ای مشترک در گفت‌وگوها می‌تواند به حل یک مسأله علمی یا عملی منتج شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷۹/۶) و با همکاری و همیاری ایشان منجر به گسترش این سخن حق و عمل به موجبات آن بشود (طباطبایی، ۱۳۵۲: ۲۴۷/۳).

افزون بر این، آیه یادشده به ما شیوه درست گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان را می‌آموزد که اگر ایشان در همه اهداف ارزشمند حاضر به همکاری نبودند، دست‌کم امور مشترک را پایه همراهی و تعامل دوجانبه بنهیم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۹۴/۲). از این‌رو رسول خدا (ص) نیز - به گزارش تاریخ‌نگاران - آیه مذکور را در نامه‌های خویش به شماری از پادشاهان دیگر ملت‌ها - از جمله هرقل مسیحی - به کار برده (ذهبی، ۱۴۱۳:

۵۰۴/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۸: ۶/۴۷۶؛ ابن خلدون، ۱۴۰۱: ۲/۲۶۶) و آنان را به توحید فراخوانده‌اند. لیکن با وجود این سفارش‌ها و دستورهای اسلامی به گفت‌وگوی بین‌الادیانی، سخن روشنی در کتاب مقدس (بایبل) در دفاع از این نگرش به چشم نمی‌خورد؛ جز آنکه برخی دین‌پژوهان این عرصه، گفتار منسوب به حضرت عیسی (ع) مبنی بر محبت‌ورزی به دیگری (متی ۵: ۴۳-۴۴) را مستلزم تفاهم با وی نیز دانسته‌اند (Jones, 1999: 395) که یکی از اهداف این دست از گفت‌وگوها به‌شمار می‌رود، اما در میان بیانات گردآمده از آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌توان توصیه‌های مکرری را به گفت‌وگوی بین‌ادیان مشاهده کرد؛ چه ایشان این امر را نقطه مشترک و مثبته در روابط کشورها می‌داند (A۱۲) که به تفاهم و نزدیکی ملت‌ها کمک می‌رساند (A ۱۳). در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، گفت‌وگوهای مهربانانه میان ادیان یکی از دستورات اسلام به حساب می‌آید (A۵۲) و فرصتی برای روشن کردن حقایق است (A۵۳). از این رو شایسته است تمرکز عالمان ادیان بر دردها و درمان‌های مشترک قرار گیرد (A۱۱۸) و همکاری‌های بین‌المللی بر پایه منافع سالم و مشترک بنا شود (A ۱۲۱). با این حال، در کنار مزایا و محاسن این گفت‌وگوها و دیدارها، «این‌گونه اقدامات برای مهار خصلت‌های ناپسند قدرت‌طلبان جهانی و پایان‌بخشیدن به مصائب کنونی بشر، کافی و مؤثر نیست و باید عوامل دیگری را نیز مدنظر قرار داد» (A۶۷).

### نتایج تحقیق

بازخوانی و واکاوی بیانات رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه وحدت میان پیروان ادیان آسمانی نشان می‌دهد که ایشان توجه خاصی به موضوع ترسیم و بازگویی ویژگی‌های مشترک میان پیروان این ادیان داشته و در موارد متعددی از گفتارها و نوشتارهای خود تلاش کرده‌اند تا ضمن بازگویی این ویژگی‌ها و دعوت همه پیروان ادیان الهی به متجلی نمودن خود بدین اوصاف، تعریف دقیق و صحیحی از آن ارائه کرده و کارکردهای آن ویژگی را نیز تبیین کنند. تحلیل مضمون بیانات ایشان محقق را به این نکته رهنمون می‌سازد که آیت‌الله خامنه‌ای پیروان ادیان الهی، ویژگی‌های خاصی را به‌عنوان بایسته‌های لازم و ضروری برای همه ادیان مشخص کرده‌اند که التزام و تمسک بدان‌ها می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگوی ادیان و ایجاد صلح و وحدت جهانی را فراهم آورد.

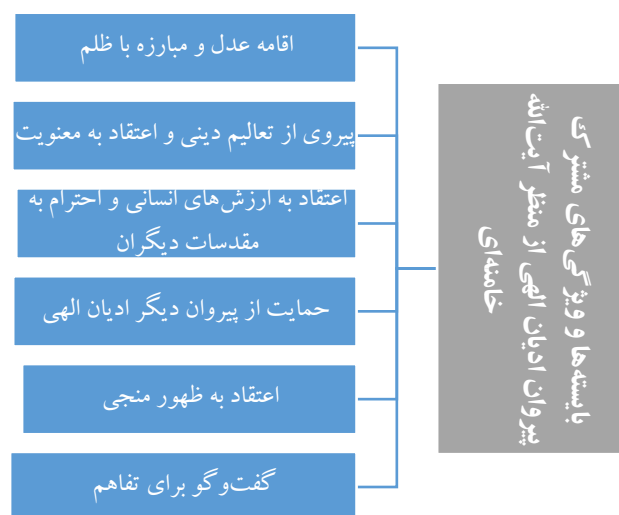
در این پژوهش که با روش تحلیل مضمون انجام شده، مجموعه کامل بیانات ایشان جمع‌آوری شده که پس از مطالعه اولیه، تعداد ۹۴ مطلب به‌منظور تحلیل، انتخاب شد. پس از تحلیل اولیه توسط محقق و تأیید روایی و پایایی روش توسط متخصصان، در نهایت تعداد ۱۳۲ مضمون پایه از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شد که پس از بازخوانی و دسته‌بندی موارد مشترک، در ذیل شش مقوله طبقه‌بندی گردیدند که اصطلاحاً بدان‌ها مضامین سازمان‌دهنده نیز گفته می‌شود. این مقوله‌ها یا

مضامین سازمان‌دهنده که ویژگی‌های مشترک و بایسته‌های لازم برای همه پیروان ادیان الهی است، عبارت‌اند از: اقامه عدل و مبارزه با ظلم، پیروی از تعالیم دینی و اعتقاد به معنویت، اعتقاد به ارزش‌های انسانی و احترام به مقدسات دیگران، حمایت از پیروان دیگر ادیان الهی، اعتقاد به ظهور منجی و گفت‌وگو برای تفاهم. از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران، مهم‌ترین ویژگی مشترک همه پیروان ادیان الهی می‌بایست اقامه عدل و مبارزه با ظلم ستمکاران باشد که قرآن کریم از آن با عنوان هدف کلی همه انبیای الهی و ادیان یاد می‌کند. تحلیل بیانات رهبری نشان می‌دهد که مبنا بودن عدالت از منظر قرآن کریم، زمینه‌ساز ترسیم این ویژگی مهم برای همه معتقدان به الله در جهان هستی بوده و نتیجه اعتقاد بدان، ایجاد یک عدالت اجتماعی گسترده در میان جوامع بشری و صلح جهانی خواهد بود.

دومین ویژگی مشترک بیان‌شده برای پیروان ادیان الهی، مسأله پیروی از تعالیم دینی و اعتقاد به معنویت است که این ویژگی نیز ریشه در آیات قرآن کریم دارد؛ چرا که در قرآن کریم مسأله عبودیت و بندگی خداوند متعال به منزله هدف خلقت تمام جن و انس و از جمله پیروان ادیان الهی معرفی شده است.

اعتقاد به ارزش‌های انسانی و حمایت از دیگر باورمندان جهان به ادیان آسمانی و هم‌دلی و اتحاد با اهل ایمان و کتاب نیز از دیگر ویژگی‌هایی است که در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بدان اشاره شده که مهم‌ترین کارکرد آن‌ها، ایجاد هم‌دلی و همراهی بین پیروان ادیان آسمانی بوده و زمینه‌ساز ایجاد وحدت و صلح جهانی در پرتو گسترش عقاید مذهبی و توحید محوری می‌باشد.

در پایان به منظور گویاسازی مطالب مطرح‌شده در این مقاله، می‌توان نمودار ذیل را به‌عنوان الگوی نهایی تحقیق ارائه کرد:



نمودار ۲) الگوی بایسته‌ها و ویژگی‌های مشترک پیروان ادیان الهی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

## منابع

### فارسی

- قرآن کریم.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم ودرر الکلم، دارالکتاب الإسلامی.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (۱۴۳۶)، المصنف، دار کنوز إشبیلیا للنشر والتوزیع.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶)، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال دارالشریف الرضی للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴)، اعتقادات الإمامیه، کنگره شیخ مفید.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، دارالحدیث.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰)، الطبقات الكبرى، دارالکتب العلمیه.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول، جامعه مدرسین.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱)، تفسیر غریب القرآن، دار و مکتبه الهلال.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۸)، البداية والنهاية، دار هجر للطباعة والنشر.
- اراکی، محسن (۱۳۹۳)، فقه نظام سیاسی اسلام، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۴)، صحیح البخاری، دار ابن کثیر.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، المحاسن، دار الکتب الإسلامیه.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۶)، رویکردی بین‌الادیانی به معنای «من بعد الذکر» در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، (۱)، ۲۱-۳۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، تفسیر تسنیم، اسراء.
- حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۲)، صهیونیزم، انتفاضه فلسطین و دولت‌های اسلامی، معرفت، (۷۷)، ۱۰۶-۱۱۷.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ و حکیمی، علی (۱۳۶۸)، الحیاة، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳)، تاریخ الإسلام، دارالکتاب العربی.
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴)، تفسیر المنار، دار المعرفة.
- رضایی‌پور، عنایت (۱۳۹۷)، جمهوری اسلامی ایران: الگوی عینی هم‌بستگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین پیروان ادیان توحیدی [خبری].
- سرشار، مژگان (۱۳۸۱)، تقابل دو مکتب الهی و دنیاگرایی در قرآن کریم، ماهنامه معرفت، (۵۵).
- شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا)، جامع الأخبار، المطبعة الحیدریه.
- صابونی، محمد علی (۱۴۲۱)، صفوة التفاسیر، دار الفکر.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، فرهنگ اسلامی.
- صدر، محمد باقر (۱۴۱۷)، اقتصادنا، مکتب الإعلام الإسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵)، المعجم الأوسط، دار الحرمین.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، الأمالی، دار الثقافة.

- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، (۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.
- عترت‌دوست، محمد؛ نصیری، امید؛ و غیائی، هادی (۱۳۹۸)، شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام، مطالعات قرآن و حدیث، (۱)، ۱۵۹-۱۸۷.
- کاظمی‌راد، رضا (۱۴۰۰)، توهین به مقدسات از منظر ادیان ابراهیمی و نظام‌های حقوقی غربی، پاسخ، (۲۱)، ۸۳-۱۰۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، دار الکتب الإسلامية.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۶)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نوربخش، یونس (۱۳۹۲)، بررسی و نقد رویکردهای مختلف به هم‌زیستی ادیان، دوفصلنامه هفت آسمان، (۵۸)، ۴۳-۶۸.

### انگلیسی

- Anderson, Peter (2021), Bible Verses About Money: What Does The Bible Have To Say About Our Financial Lives?
- Braun, Virginia; & Clarke, Victoria (2006), Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Byrne, Máire (2011), *The Names of God in Judaism, Christianity, and Islam*. Continuum International Publishing Group.
- Guggenheimer, Heinrich (ed.) (2005), *The Jerusalem Talmud: Tractates Sotah and Nedarimp*. De Gruyter.
- Jacobs, Louis (2007), Halakhah. In *Encyclopaedia Judaica (Second Edition, Vol. 8, pp. 251-258)*, Thomson Gale.
- Merrigan, Terrence (2017), Rethinking Theologies of Interreligious Dialogue. In *The Past, Present, and Future of Theologies of Interreligious Dialogue (First Edition, pp. 1-13)*, Oxford University Press.
- Neufeldt, Reina (2011), Interfaith Dialogue: Assessing Theories of Change. *Peace & Change*, 36(3), 344-372.
- Polan, S. M (2003), Commandments, Ten. In *New Catholic Encyclopedia (Second Edition, pp. 4-9)*. Thomson Gale.
- Protocol Additional to The Geneva Conventions of 12 August 1949 (1977).
- Swidler, Leonard (2014), *Dialogue for Interreligious Understanding: Strategies for the Transformation of Culture-Shaping Institutions (First Edition)*. Palgrave Macmillan.